

تجارب زیسته توان‌خواهان از عوامل بازدارنده و تشویق‌کننده آنان در زمینه تحصیل

قاسم زارعی^۱، میرامیر فروزان^۲

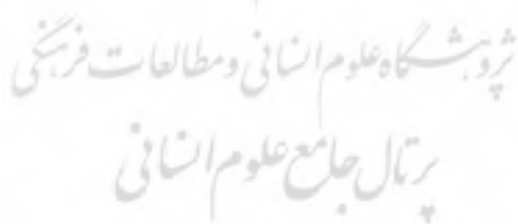
پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۱۸

دریافت: ۱۴۰۴/۲/۲۵

چکیده

معلولیت، چالش‌ها و مشکلات زیادی در دوره‌های مختلف زندگی یک فرد معلول ایجاد می‌کند که دوران تحصیل یکی از آنهاست. براین اساس، هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی تجارب زیسته توان‌خواهان از عوامل بازدارنده و تشویق‌کننده آنان در زمینه تحصیل بود. این پژوهش، کیفی بوده و با روش پدیدارشناسی انجام شد. جامعه آماری پژوهش، کلیه توان‌خواهان شهر اردبیل بود و داده‌ها از طریق مصاحبه با ۱۰ نفر از توان‌خواهان دارای تجربه تحصیل که به سازمان بهزیستی شهر اردبیل مراجعه کرده و یا در آنجا مشغول به کار بودند، گردآوری شد. روش نمونه‌گیری به شیوه هدفمند بود و انجام مصاحبه تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. داده‌های حاصل از مصاحبه با روش تحلیل مضمون و در نرم‌افزار Maxqda تحلیل شد و کدگذاری متن مصاحبه‌ها و تلفیق آن‌ها انجام گرفت. یافته‌های پژوهش، هفت مقوله اصلی را مشخص کرد که ۵ مورد به‌عنوان عوامل بازدارنده و ۲ مورد به‌عنوان عوامل تشویق‌کننده توان‌خواهان به تحصیل تعیین شدند. نتایج نشان دادند که توان‌خواهان با موانع و مشکلاتی مواجه هستند که می‌توانند آن‌ها را از امر تحصیل باز دارند. اما در عین حال، عوامل و مشوق‌هایی نیز وجود دارند که توان‌خواهان را به تحصیل تشویق نموده و آنان را در این مسیر یاری می‌کنند.

کلید واژه‌ها: پدیدارشناسی، تجربه زیسته، تحصیل، معلولیت.



۱. استاد گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران، نویسنده مسئول، zareigz@gmail.com.

۲. دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

مقدمه

ناتوانی، یکی از پدیده‌های پیدا و نهان زندگی روزمره بشر است. پیدا از آن جهت که تعداد افراد دچار ناتوانی، بسیار بالا و در حال رشد است و پنهان از آن جهت که چندان مورد توجه جریان اصلی جامعه و سیاست‌گذاران اجتماعی نبوده است (میرزایی و همکاران، ۱۴۰۲). حدود ۱۵ درصد از جمعیت جهان یا تقریباً حدود یک‌هفتم آنان با نوعی از ناتوانی زندگی می‌کنند که حدود ۲۰۰ میلیون نفر از این افراد، مشکلات قابل توجهی را در عملکردشان تجربه می‌کنند (لطیفیان و همکاران، ۱۳۹۹). در ایران نیز با توجه به آخرین آمار که مربوط به آبان ۱۳۹۵ است، از کل جمعیت کشور، حدود ۵۹۷،۵۶۰ نفر حداقل یک معلولیت دارند (عرب و همکاران، ۱۴۰۰).

افراد دارای معلولیت، از زمان تولد و یا از هنگام بروز معلولیت با مسائل و مشکلات گوناگونی در تمام ابعاد زندگی روبه‌رو هستند و موانع ساختاری متعددی را در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیطی و فرهنگی، تجربه می‌کنند (اسماعیلی‌پور و نقوی، ۱۳۹۹). اما مشکلات آموزش، همیشه بسیار بیش‌تر از مشکلات دیگر بوده است، به‌طوری که یکی از شایع‌ترین مشکلات تحصیلی که ممکن است فرد و اطرافیان او را تحت تأثیر قرار دهد، مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان (معلول) است (سارایی، ۱۴۰۰). به‌طور مثال، علی‌رغم وجود قوانین و سیاست‌های حمایت‌کننده، کودکان دارای معلولیت، کم‌تر به مدرسه می‌روند، به سطوح تحصیلی متوسطه و بالاتر راه می‌یابند و در مقایسه با همسالان خود که دارای معلولیت نیستند، به‌ویژه در کشورهای کم‌درآمد، پیشرفت کلی کم‌تری دارند. در ۱۵ کشور کم‌درآمد، کودکان دارای معلولیت، به‌طور متوسط ۳۱ درصد کم‌تر از همسالان غیر معلول خود به مدرسه می‌روند. کودکانی که دارای اختلالات فکری و ارتباطی هستند به‌طور خاص از مدرسه کنار گذاشته می‌شوند. حتی زمانی که کودکان دارای معلولیت به مدرسه می‌روند، کسب مهارت، اغلب به دلیل فقدان مقررات برای آموزش فراگیر، از جمله آموزش ناکافی معلم، امکانات غیر قابل دسترس و دسترس‌پذیری ضعیف منابع آموزش تخصصی، با مانع مواجه می‌شود. علاوه‌براین، کودکان دارای معلولیت به دلیل انزوا، تبعیض و خشونت معلمان و همسالان، اغلب در مدرسه تجربیات اجتماعی منفی دارند (آرولداس^۱، ۲۰۲۳). و یا هم‌چنین، علی‌رغم تلاش دانشگاه‌ها برای ایجاد ملزومات آموزش فراگیر، تجربیات دانشجویان معلول نشان می‌دهد، آن‌ها با محیط‌های ناتوان‌کننده مختلفی مواجه هستند (طهماسب‌زاده شیخ‌لار و همکاران، ۱۴۰۱). اما از سوی دیگر، حتی با وجود تمام این مسائل، تعداد دانش‌آموزان معلولی که در سال‌های اخیر به دنبال تحصیلات دانشگاهی رفته‌اند نیز به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است (اسنیاتکی و همکاران^۲، ۲۰۱۹).

لازم به ذکر است که هیچ تعریف واحدی از ناتوانی وجود ندارد و سازمان جهانی بهداشت^۳ خاطر نشان می‌کند که تعریف ناتوانی دشوار است، زیرا "پیچیده، پویا، چندبعدی و بحث‌برانگیز" است. هنگام تعریف ناتوانی، دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد^۴، به تمایزاتی که توسط سازمان جهانی بهداشت، بین مفاهیم زیر در طبقه‌بندی بین‌المللی اختلالات، ناتوانی‌ها و معلولیت‌ها در سال ۱۹۸۰ منتشر شده بود، اشاره کرد:

- اختلال: هرگونه فقدان یا ناهنجاری در ساختار یا عملکرد روانی، فیزیولوژیکی یا کالبدشناختی؛
- ناتوانی: هرگونه محدودیت یا فقدان (ناشی از اختلال) در توانایی انجام یک فعالیت به شیوه یا در محدوده‌ای که برای یک انسان عادی در نظر گرفته می‌شود؛
- معلولیت: آسیب به یک فرد معین، ناشی از اختلال یا ناتوانی که ایفای نقشی را بسته به سن، جنسیت، عوامل اجتماعی و فرهنگی که برای یک فرد طبیعی است، محدود کرده یا مانع از آن می‌شود (گاترمن^۵، ۲۰۲۳).

هم‌چنین، کنوانسیون افراد دارای ناتوانی سازمان ملل متحد^۶، ناتوانی را به چهار نوع طبقه‌بندی می‌کند: جسمی، روانی، ذهنی و حسی (اشمیت و همکاران^۷، ۲۰۲۳). ناتوانی جسمی با دشواری شدید یا عجز در انجام هر یک از فعالیت‌های اصلی زندگی

1. Aruldas
2. Sniatecki et al.
3. World health organization (WHO)
4. UN department of economic and social affairs (UNDESA)
5. Guterman
6. UN convention on persons with disability
7. Schmidt et al.

روزمره، وضعیتی همراه با خطر جاری یا مکرر خونریزی، کم‌خونی یا شریاطی که احتمالاً در عرض ۵ سال منجر به مرگ می‌گردد، تعریف می‌شود (اکرام و همکاران^۱، ۲۰۲۳). ناتوانی روانی را می‌توان به‌عنوان نوعی از اختلال تعریف کرد که منجر به اختلال شدید عملکردی می‌شود که در یک یا چند فعالیت اصلی زندگی تداخل ایجاد کرده یا آن‌ها را به‌طور قابل ملاحظه‌ای محدود می‌کند (آوب و همکاران^۲، ۲۰۲۳). ناتوانی ذهنی، به محدودیت در عملکرد ذهنی اشاره دارد که به‌عنوان مشکلاتی در ادراک یا استدلال تعریف می‌شود. به‌علاوه، می‌توان آن را به‌عنوان محدودیت در رفتار انطباقی، مانند درک مفاهیم، روابط اجتماعی یا مهارت‌های عملی تعریف کرد (سانتروم و همکاران^۳، ۲۰۲۳). در نهایت، معلولان حسی، محدود به افرادی می‌شوند که دچار نقایص بینایی یا شنوایی یا ترکیبی از این دو باشند (دستیار و محمدی، ۱۳۹۷). نکته دیگری که باید اشاره شود این است که علل معلولیت‌ها عبارت‌اند از: ۱- معلولیت‌های اکتسابی: در اثر تصادفات، حوادث یا بلاهای طبیعی، جنگ، آتش‌سوزی، مسمومیت‌ها و یا بیماری‌های مزمن و عوارض ناشی از آن‌ها، فرد ممکن است دچار معلولیت گردد؛ ۲- معلولیت‌های مادرزادی: علل معلولیت‌های مادرزادی را به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌کنند: الف) عوامل دوران بارداری: نظیر عوامل ژنتیکی، سوء تغذیه مادر، سن بالای مادر، رعایت نکردن بهداشت دوران بارداری، اشعه، دارو، بیماری مادر و استعمال دخانیات؛ ب) عوامل هنگام زایمان: زایمان مشکل و طولانی، زایمان‌های غیر بهداشتی و ضربات وارده به نوزاد هنگام تولد (قویدل و کریمی، ۱۳۹۲). بررسی پژوهش‌های پیشین خارجی نشان می‌دهد، ونوس^۴ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان "یک مطالعه موردی پدیدارشناسانه از فراگیران دارای اختلالات در اسان‌اچ‌اس^۵: تحلیل گفتمانی شمول آموزش اصلی" که در میان دانش‌آموزان دبیرستانی دارای معلولیت انجام شده است، به این نتیجه دست یافته است که تبعیض، تشدید اضطراب، افسردگی و عدم حمایت لازم از دانش‌آموزان دارای معلولیت از جمله موانع اجتماعی رایج برای آنان هستند. آروبو-روخاس و هوگ^۶ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان "تحقیقات پدیدارشناسی مشتمل بر دانش‌آموزان دارای معلولیت در تربیت بدنی: مروری نظام‌مند بر ادبیات" که در میان دانش‌آموزان دارای معلولیت انجام شده است، به این نتایج دست یافته‌اند که هویت‌های چندگانه برای درک بهتر تجربیات کودکان دارای معلولیت در زمینه تربیت بدنی، اصلاحات و تسهیلات مناسب که به تمام نیازهای دانش‌آموزان توجه کند و تعاملات اجتماعی معنادار را در بین همسالان ترویج کند و به تجربیات زیسته مثبت کمک نماید، باید ترویج شوند. الطاف و همکاران^۷ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان "چالش‌های دانشجویان کم‌توان در سیستم فراگیر آموزش در سطوح عالی" که در میان دانشجویان کم‌توان سه دانشگاه مختلف انجام شده است، به این نتیجه دست یافته‌اند که به‌منظور حمایت یا پذیرش دانشجویان کم‌توان، دولت و مؤسسات آموزش عالی باید بودجه مشخصی را برای این دانشجویان اختصاص دهند تا نیازهای آموزشی آنان برآورده گردد. کرازینسکی و فولی^۸ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان "پدیدارشناسی تجربیات دانش‌آموزان معلول از یادگیری آنلاین" که در میان دانش‌آموزان معلول دوره متوسطه که به صورت آنلاین تحصیل می‌کنند، انجام شده است، به این نتایج دست یافته‌اند که آنلاین شدن مدارس، موانع را تقویت کرده و مانع از مشارکت و حمایت کامل از این دانش‌آموزان می‌شود. هم‌چنین، باعث بروز احساس بی‌اهمیت بودن تحصیلات آن‌ها شده و نقش‌های اجتماعی آنان را محدود می‌کند. میر و وحید^۹ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان "تجارب دانشجویان دارای معلولیت در آموزش عالی هند: یک مطالعه پدیدارشناختی تفسیری" که در میان دانشجویان دارای معلولیت در هند انجام شده است، به این نتایج دست یافته‌اند که دانشجویان با چالش‌های زیادی در خصوص ادراکات در مورد آموزش فراگیر، دسترسی به زیرساخت‌ها، دسترسی فیزیکی، شبکه‌های حمایتی سازمانی و مسائل مربوط به نگرش استادان مواجه هستند. لذا برای فراگیر بودن آموزش، مؤسسات باید در سیاست‌ها و عملکردهای خود بازنگری کرده و

1. Ekram et al.

2. Aube et al.

3. Santorum et al.

4. Venus

5. SNHS

6. Arroyo-Rojas & Hodge

7. Altaf et al.

8. Krazinski & Foley

9. Mir & Waheed

موانعی را که مانع از مشارکت و یادگیری دانشجویان در دانشگاه می‌شوند را حذف کنند. هم‌چنین، بررسی پژوهش‌های پیشین داخلی نشان می‌دهد، عاشوری و شریفی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان "بررسی تجربه زیسته دانشجویان دارای آسیب بینایی براساس روش پدیدارشناسی" که در میان دانشجویان دارای آسیب بینایی در دانشگاه اصفهان انجام شده است، به این نتیجه دست یافته‌اند که دانشجویان دارای آسیب بینایی به خدمات حمایتی در حوزه‌های مختلف نیاز دارند. مرادیان محمدیه (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان "نیازها و مشکلات نوجوانان معلول جسمی-حرکتی: آموزشی، اشتغال" که در میان دانش‌آموزان دارای معلولیت جسمی-حرکتی مدارس استثنایی جنوب شهر تهران انجام شده است، به این نتایج دست یافته است که آموزش جامعه و آموزش حرفه‌ای، جزء نیازهای آموزشی و سرویس رفت‌وآمد و وجود سهمیه، جزء نیازهای اشتغال معلولان هستند. هم‌چنین، جابه‌جایی و رفت‌وآمد به محل تحصیل و کار و عدم وجود ضمانت‌های اجرایی برای اشتغال این افراد، جزء مشکلات آنان هستند و به همین دلیل، مشکلات و نیازهای معلولان جسمی-حرکتی از تنوع بالایی برخوردار است. نیازی و سیادتیان (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان "تجربه زیسته چالش‌های نوجوانان کم‌توان ذهنی" که در میان نوجوانان پسر مبتلا به کم‌توانی ذهنی در مدرسه پیش‌حرفه‌ای و حرفه‌ای شهر کاشان انجام شده است، به این نتیجه دست یافته‌اند که رسیدگی به مشکلات و چالش‌های نوجوانان کم‌توان ذهنی، امری ضروری است و از این رو، ارائه خدمات حمایتی و آموزشی برای نوجوانان و خانواده‌آنها می‌تواند از مشکلات آنان بکاهد. طهماسب‌زاده شیخ‌لار و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان "تجارب زیسته دانشجویان معلول جسمی-حرکتی، از مشارکت در آموزش فراگیر" که در میان دانشجویان دارای معلولیت جسمی-حرکتی انجام شده است، به این نتایج دست یافته‌اند که علی‌رغم وجود نیروی انگیزه درونی قوی در آنها، جهت اثبات توانمندی‌های خود و هم‌چنین، فضای ارتباطی حمایتی در گروه‌های غیر رسمی، محیط دانشگاهی و غفلت سازمانی به‌عنوان سدی محکم در مقابل دانشجویان معلول قرار گرفته و مانع از تحقق اهداف مدل اجتماعی معلولیت و آموزش فراگیر می‌شود. این نتایج هشدار می‌دهند که عدم مناسب‌سازی محیط دانشگاه، موجب شکست برنامه‌های درسی تجربه‌شده دانشجویان معلول جسمی-حرکتی خواهد شد.

براساس آنچه که بیان شد، به نظر می‌رسد که توان‌خواهان در زمینه تحصیل خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند و از این رو، آگاهی از موانعی که توان‌خواهان در طول دوره‌های مختلف تحصیل (چه مدرسه باشد و چه دانشگاه) با آنها مواجه می‌شوند که آنان را از تحصیل باز می‌دارند و در عین حال، آگاهی از عواملی که آنها را به تحصیل تشویق می‌کنند، از اهمیت زیادی برخوردار است. بی‌تردید، آگاهی از تجارب این افراد و توجه به نیازهای آنان، می‌تواند به حل برخی از مسائل و مشکلات توان‌خواهان در این زمینه کمک کند. براساس بررسی پژوهشگران حاضر، مشخص شد که اگرچه پژوهش‌هایی در خصوص تجارب زیسته توان‌خواهان در زمینه تحصیل آنان صورت گرفته است، اما پژوهشی که به‌طور جامع به بررسی عوامل بازدارنده و تشویق‌کننده آنان در زمینه تحصیل پرداخته باشد، به‌ویژه در میان پژوهش‌های داخلی، وجود ندارد. بنابراین، پژوهش حاضر با این هدف انجام می‌شود تا با رویکردی کیفی و با روش پدیدارشناسی به مطالعه تجارب زیسته توان‌خواهان از عوامل بازدارنده و تشویق‌کننده آنان در زمینه تحصیل بپردازد و آگاهی بیش‌تری در این خصوص کسب نماید. براین اساس، این سؤال اصلی نیز قابل طرح است که عوامل بازدارنده و تشویق‌کننده توان‌خواهان به امر تحصیل کدام‌اند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و در راهبرد پدیدارشناسی انجام شده است. در این پژوهش، از رویکرد پدیدارشناسی استعلایی استفاده شده است که در آن، بیش‌تر به توصیف تجربیات مشارکت‌کنندگان تأکید می‌گردد. جامعه آماری پژوهش، کلیه توان‌خواهان شهر اردبیل در نظر گرفته شده است. از آنجایی که در مطالعات پدیدارشناختی، مشارکت‌کنندگان باید پدیده مورد مطالعه را تجربه کرده باشند، لذا پژوهشگران در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده کرده‌اند. در این نمونه‌گیری، توان‌خواهانی که دارای تجربه تحصیل در مدرسه یا دانشگاه بوده و در بازه زمانی ۱۶ فروردین تا ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ به اداره بهزیستی شهر اردبیل مراجعه کرده‌اند و یا در این بازه زمانی، در آنجا مشغول به کار بوده‌اند، انتخاب شده‌اند. سپس، گردآوری اطلاعات از مشارکت‌کنندگان صورت گرفته و مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته با ۱۰ نفر از افراد توان‌خواه انجام شده است و نمونه با این تعداد مصاحبه به اشباع نظری رسیده است. در ادامه، تمامی مصاحبه‌ها به متن تبدیل و در نرم‌افزار Maxqda

وارد شده‌اند و به‌منظور فهم تجربیات مشارکت‌کنندگان به‌طور کامل و دقیق مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. سپس، سعی شده تا معانی هر عبارت درک و در قالب مجموعه‌ای از مفاهیم و معانی درون خوشه‌های معنایی مقوله‌ها دسته‌بندی شود. پس از دسته‌بندی و تلفیق کدهای تکراری و تشکیل دسته‌بندی‌های جدید، مقوله‌های اصلی و فرعی استخراج شده‌اند.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

در جدول ۱، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد شرکت‌کننده در مصاحبه بیان شده است. به‌منظور محفوظ ماندن هویت مشارکت‌کنندگان از آوردن اسامی آن‌ها خودداری شده است (جدول ۱).

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد مشارکت‌کننده در مصاحبه (منبع: نگارندگان)

ردیف	جنسیت	سن	سطح تحصیلات	نوع معلولیت
۱	زن	۳۵	ابتدایی	کم‌شنوایی، کم‌بینایی و معلولیت جسمی-حرکتی
۲	زن	۳۰	کارشناسی ارشد	فلج اطفال
۳	زن	۲۴	راهنمایی	معلولیت از ناحیه دو دست، دو پا و چشم
۴	مرد	۱۸	دیپلم	کم‌بینایی
۵	مرد	۱۹	دیپلم	جسمی-حرکتی
۶	مرد	۱۸	دیپلم	معلولیت از ناحیه دست و انگشت
۷	مرد	۳۰	کارشناسی ارشد	دیستروفی عضلانی
۸	زن	۴۰	کارشناسی ارشد	کم‌بینایی
۹	مرد	۳۳	کارشناسی	جسمی-حرکتی
۱۰	مرد	۲۶	کارشناسی	جسمی-حرکتی

مقوله‌های اصلی و فرعی

پس از پیاده‌سازی و تحلیل متن مصاحبه‌ها، مهم‌ترین اظهارات و مضامین مورد بحث در مصاحبه با مشارکت‌کنندگان، در خصوص عوامل بازدارنده و تشویق‌کننده آنان در زمینه تحصیل، در قالب ۷ مقوله اصلی و ۱۶ مقوله فرعی به همراه نمونه کدهای باز به شرح جداول ۲ و ۳ می‌شوند (جداول ۲ و ۳).

جدول ۲. عوامل بازدارنده توان خواهان از تحصیل: مقوله‌های اصلی، فرعی و نمونه کدهای باز (منبع: نگارندگان)

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	نمونه کدهای باز
مشکلات تردد به محل تحصیل	مشکلات تردد به مدرسه	به خاطر مشکلات رفت‌وآمد به مدرسه، از ادامه تحصیل بازماندم.
	مشکلات تردد به دانشگاه شهری دیگر	بزرگ‌ترین مشکل من در حال حاضر، رفت‌وآمد به شهر دیگر در زمان دانشجویی است.
عدم مناسب‌سازی فضای آموزشی	عدم مناسب‌سازی مدارس	در بیش‌تر مدارس کشور، معلولان به لحاظ دسترسی، مناسب‌سازی و آموزش متناسب با نیاز این قشر، محروم‌اند.
	عدم مناسب‌سازی دانشگاه‌ها	خیلی از دانشگاه‌هایی که حتی به تازگی ساخته شده‌اند، برای استفاده افراد معلول مناسب نیستند.
نگرش منفی به معلولان در محیط تحصیل	نگرش منفی هم‌کلاسی‌ها	مشکل من از جایی شروع شد که به شهر مهاجرت کردیم و اولین نگاه‌های ناراحت‌کننده را از هم‌کلاسی‌های جدید نسبت به معلولیتم حس کردم.
	نگرش منفی معلمان و مدیران	با از دست رفتن سوی چشمانم، نه تنها معلمان، بلکه مدیریت مدرسه نیز سر ناسازگاری را با من انتخاب کردند و به من به‌عنوان دانش‌آموزی پر در در سر نگاه می‌کردند.
مشکلات اقتصادی و مالی	رایگان نبودن تحصیل برای معلولان	اگرچه تحصیل باید برای معلولان رایگان باشد، اما متأسفانه این موضوع تاکنون محقق نشده است.

سایر هزینه‌های بالای تحصیل برای معلولان	برخی از دانش‌آموزان و دانشجویان معلولی که توان پرداخت انواع هزینه‌های بالای تحصیلی را ندارند، خانه‌نشین و محروم از تحصیل می‌شوند.
عدم تأمین ملزومات آموزشی از سوی بهزیستی	برای خدمات آموزشی، بهزیستی تجهیزات زیادی برای من در نظر نگرفت که شاید ناشی از کمی و کاستی‌هایی باشد که دارند.
کمک‌های مالی ناکافی بهزیستی برای معلولان	مستمری پرداختی از سوی بهزیستی برای تحصیل معلولان محدود است و باید حمایت‌های جدی‌تری انجام دهند.

جدول ۳. عوامل تشویق‌کننده توان‌خواهان به تحصیل: مقوله‌های اصلی، فرعی و نمونه کدهای باز (منبع: نگارندگان)

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	نمونه کدهای باز
عوامل فردی و درونی	علاقه‌مندی به تحصیل	با وجود محدودیت‌هایی که معلولیت برای من ایجاد کرده است، اما من بسیار به تحصیل علاقه‌مند بودم.
	پشتکار	علی‌رغم محدودیت‌های زیاد، تصمیم گرفتم تا زمانی که فرصت دارم تلاش کنم و برای رسیدن به اهدافم بکوشم، به همین دلیل در سال ۸۰ در مقطع کارشناسی و در سال ۸۵ در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شده و به تحصیل پرداختم و در سال ۸۹ در آزمون وکالت نیز پذیرفته شدم.
عوامل محیطی و بیرونی	پشتیبانی خانواده	با وجود محدودیت‌ها و محرومیت‌ها، انگیزه و نیرویی که خانواده‌ام در من تقویت می‌کردند، بیش‌تر مرا به سمت و سوی ادامه تحصیل سوق می‌داد.
	پشتیبانی دوستان	در دوران دبیرستان، دوستانم به من کمک زیادی می‌کردند، چون دامنۀ حرکتی من با عصا خیلی محدود شده بود. دوستانم همیشه به من لطف داشتند و در دانشگاه این کمک‌ها خیلی محسوس‌تر شد، چون با ویلچر معمولی حرکت می‌کردم. یکی از همکلاسی‌هایم واقعاً در این رابطه کمک حال من بود و شاید اگر ایشان وجود نداشتند، دوران تحصیل سختی می‌داشتم.
	پشتیبانی عوامل اجرایی محیط تحصیل	آن چیزی که بیش از همه در موفقیتم نقش داشت مدیریت مدرسه بود. در دوران تحصیل، همراهی مدرسه آن‌قدر با من و دیگر معلولان عالی بود که هیچ‌وقت کم و کاستی را احساس نکردیم. معلمان با تمام بزرگواری، کلاس‌هایم را در طبقه همکف برگزار می‌کردند تا بتوانم در کنار دیگر دانش‌آموزان آموزش ببینم.
	نقش فناوری اطلاعات	طراحی وبسایت آموزش مجازی زبان انگلیسی باعث شده است که همه افراد دارای معلولیت بتوانند به صورت آنلاین و مستقیم آموزش ببینند و نیازی به ترک منزل و حضور در آموزشگاه نداشته باشند.

عوامل بازدارنده از تحصیل: توان‌خواهان در زندگی خود با مسائل و مشکلات مختلفی مواجه هستند که به مانعی برای تحصیل آنان تبدیل می‌شوند و ممکن است سطح تحصیلات آن‌ها را محدود کرده یا حتی باعث ترک تحصیل آنان گردند. در این رابطه، اطلاعات جمع‌آوری شده از نمونه مورد مطالعه، بیان‌گر وجود مقوله‌های اصلی اعم از: مشکلات تردد به محل تحصیل، عدم مناسب‌سازی فضای آموزشی، نگرش منفی به معلولان در محیط تحصیل، مشکلات اقتصادی و مالی و حمایت ناکافی نهادهای متولی است که هر یک از آن‌ها دارای چندین مقوله فرعی نیز هستند. در ادامه، به توضیح هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱) مشکلات تردد به محل تحصیل: یکی از موانع و مشکلات اولیه توان‌خواهان برای تحصیل، دشواری جابه‌جایی و تردد به محل تحصیل، چه در دوران مدرسه و در شهر محل سکونت خود و چه در دوران دانشگاه و تحصیل در شهری دیگر است. براین اساس، این مقوله اصلی، خود شامل دو مقوله فرعی: ۱- مشکلات تردد به مدرسه و ۲- مشکلات تردد به دانشگاه شهری دیگر است. در همین رابطه، مصاحبه‌شوندگان شماره ۱ و ۵ می‌گویند:

«به خاطر مشکلات رفت‌وآمد به مدرسه، از ادامه تحصیل بازماندم.» (ش ۱)

«بزرگ‌ترین مشکل من در حال حاضر، رفت‌وآمد به شهر دیگر در زمان دانشجویی است.» (ش ۵)

۲) عدم مناسب‌سازی فضای آموزشی: یکی از دغدغه‌های اصلی توان‌خواهان، عدم مناسب‌سازی فضاها و امکانات جامعه برای آنان است. این مشکل در خصوص فضاها و آموزشی کشور، یعنی مدارس و دانشگاه‌ها نیز وجود دارد. براین اساس، این مقوله اصلی، خود شامل دو مقوله فرعی: ۱- عدم مناسب‌سازی مدارس و ۲- عدم مناسب‌سازی دانشگاه‌هاست. در این خصوص، مصاحبه‌شوندگان شماره ۶ و ۷ می‌گویند:

«در بیش‌تر مدارس کشور، معلولان به لحاظ دسترسی، مناسب‌سازی و آموزش متناسب با نیاز این قشر، محروم‌اند.» (ش ۶)

«خیلی از دانشگاه‌هایی که حتی به تازگی ساخته شده‌اند، برای استفاده افراد معلول مناسب نیستند.» (ش ۷)

۳) نگرش منفی به معلولان در محیط تحصیل: یکی دیگر از مشکلات توان‌خواهان در محیط تحصیل، به خصوص در مدارس، نگرش و دیدگاه منفی نسبت به آنان از سوی هم‌کلاسی‌ها و یا حتی معلمان و مدیران است که می‌تواند تأثیرات بدی بر روی آن‌ها بگذارد. براین اساس، این مقوله اصلی، خود شامل دو مقوله فرعی: ۱- نگرش منفی هم‌کلاسی‌ها و ۲- نگرش منفی معلمان و مدیران است. در همین رابطه، مصاحبه‌شوندگان شماره ۲ و ۴ می‌گویند:

«مشکل من از جایی شروع شد که به شهر مهاجرت کردیم و اولین نگاه‌های ناراحت‌کننده را از هم‌کلاسی‌های جدید نسبت

به معلولیت حس کردم.» (ش ۲)

«با از دست رفتن سوی چشمانم، نه تنها معلمان، بلکه مدیریت مدرسه نیز سر ناسازگاری را با من انتخاب کردند و به من

به عنوان دانش‌آموزی پردردسر نگاه می‌کردند.» (ش ۴)

۴) مشکلات اقتصادی و مالی: توان‌خواهان، افزون بر هزینه‌های بالایی که در سایر بخش‌های زندگی خود دارند، در امر تحصیل نیز با مشکلات اقتصادی و مالی مواجه هستند که می‌تواند مانعی برای تحصیل آنان باشد. این مقوله اصلی، خود شامل دو مقوله فرعی: ۱- رایگان نبودن تحصیل برای معلولان و ۲- سایر هزینه‌های بالای تحصیل برای معلولان است. در این رابطه، مصاحبه‌شوندگان شماره ۱ و ۹ می‌گویند:

«اگر چه تحصیل باید برای معلولان رایگان باشد، اما متأسفانه این موضوع تاکنون محقق نشده است.» (ش ۱)

«برخی از دانش‌آموزان و دانشجویان معلولی که توان پرداخت انواع هزینه‌های بالای تحصیلی را ندارند، خانه‌نشین و محروم

از تحصیل می‌شوند.» (ش ۹)

۵) حمایت ناکافی نهادهای متولی: سازمان‌ها و نهادهای متولی امور معلولان، نظیر بهزیستی نیز نقش مهمی در حمایت از تحصیل آنان دارند. از این‌رو، هر گونه حمایت ناکافی این نهادها، چه در زمینه تأمین لوازم و ملزومات آموزشی و چه در زمینه ارائه کمک‌های مالی، می‌تواند مشکلاتی را در امر تحصیل آنان پدید آورد. براین اساس، این مقوله اصلی، خود شامل دو مقوله فرعی: ۱- عدم تأمین ملزومات آموزشی از سوی بهزیستی و ۲- کمک‌های مالی ناکافی بهزیستی برای معلولان است. در این خصوص، مصاحبه‌شوندگان شماره ۵ و ۱۰ می‌گویند:

«برای خدمات آموزشی، بهزیستی تجهیزات زیادی برای من در نظر نگرفت که شاید ناشی از کمی و کاستی‌هایی باشد که

دارند.» (ش ۵)

«مستمری پرداختی از سوی بهزیستی برای تحصیل معلولان محدود است و باید حمایت‌های جدی‌تری انجام دهند.» (ش ۱۰)

عوامل تشویق‌کننده به تحصیل: با وجود مشکلات و موانعی که بر سر راه تحصیل توان‌خواهان وجود دارد، اما این افراد تلاش می‌کنند تا به امر تحصیل بپردازند و حتی بسیاری از آنان موفق می‌شوند که تا سطح تحصیلات عالی نیز پیشروی کنند. این امر، می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد. در این رابطه، اطلاعات جمع‌آوری شده از نمونه مورد مطالعه، بیان‌گر وجود مقوله‌های اصلی اعم از: عوامل فردی و درونی و عوامل محیطی و بیرونی است که هر یک از آن‌ها دارای چندین مقوله فرعی نیز هستند. در ادامه، به توضیح هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱) عوامل فردی و درونی: بی‌شک، اولین و مهم‌ترین عاملی که باعث می‌شود، توان‌خواهان به امر تحصیل مشغول شوند، عوامل درونی و مربوط به خود این افراد است که می‌تواند دربرگیرنده علاقه‌مندی آنان به تحصیل و تلاش و پشتکار فراوان در آن‌ها برای غلبه بر محدودیت‌ها و موانع باشد. براین اساس، این مقوله اصلی، خود شامل دو مقوله فرعی: ۱- علاقه‌مندی به تحصیل و ۲- پشتکار معلولان است. در این رابطه، مصاحبه‌شوندگان شماره ۳ و ۸ می‌گویند:

«با وجود محدودیت‌هایی که معلولیت برای من ایجاد کرده است، اما من بسیار به تحصیل علاقه‌مند بودم.» (ش ۳)

«علی‌رغم محدودیت‌های زیاد، تصمیم گرفتم تا زمانی که فرصت دارم تلاش کنم و برای رسیدن به اهدافم بکوشم، به همین دلیل، در سال ۸۰ در مقطع کارشناسی و در سال ۸۵ در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شده و به تحصیل پرداختم و در سال ۸۹ در آزمون وکالت نیز پذیرفته شدم.» (ش ۸)

۲) عوامل محیطی و بیرونی: افزون بر عوامل فردی و درونی، بسیاری از توان‌خواهان برای موفقیت در امر تحصیل، نیازمند فراهم شدن یک‌سری شرایط پشتیبانی‌کننده محیطی هستند، به‌طوری که بدون وجود آن‌ها، امکان تحصیل برای معلولان می‌تواند بسیار دشوار باشد. براین اساس، این مقوله اصلی، خود شامل چهار مقوله فرعی: پشتیبانی خانواده، پشتیبانی دوستان، پشتیبانی عوامل اجرایی محیط تحصیل و نقش فناوری اطلاعات است. در این رابطه، مصاحبه‌شوندگان شماره ۲، ۷ و ۵ می‌گویند:

«با وجود محدودیت‌ها و محرومیت‌ها، انگیزه و نیرویی که خانواده‌ام در من تقویت می‌کردند، بیش‌تر مرا به سمت و سوی ادامه تحصیل سوق می‌داد.» (ش ۲)

«در دوران دبیرستان، دوستانم به من کمک زیادی می‌کردند، چون دامنۀ حرکتی من با عصا خیلی محدود شده بود. دوستانم همیشه به من لطف داشتند و در دانشگاه این کمک‌ها خیلی محسوس‌تر شد، چون با ویلچر معمولی حرکت می‌کردم. یکی از همکلاسی‌هایم واقعاً در این رابطه کمک حال من بود و شاید اگر ایشان وجود نداشتند دوران تحصیل سختی می‌داشتم.» (ش ۷)

«آن چیزی که بیش از همه در موفقیتم نقش داشت مدیریت مدرسه بود. در دوران تحصیل، همراهی مدرسه آن‌قدر با من و دیگر معلولان عالی بود که هیچ‌وقت کم و کاستی را احساس نکردیم. معلمان با تمام بزرگواری، کلاس‌هایم را در طبقۀ همکف برگزار می‌کردند تا بتوانم در کنار دیگر دانش‌آموزان آموزش ببینم.» (ش ۵)

«طراحی وبسایت آموزش مجازی زبان انگلیسی باعث شده است که همه افراد دارای معلولیت بتوانند به صورت آنلاین و مستقیم آموزش ببینند و نیاز به ترک منزل و حضور در آموزشگاه نداشته باشند.» (ش ۷)

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش کیفی با هدف بررسی تجارب زیسته توان‌خواهان از دوران تحصیل‌شان انجام گرفت. مقوله‌های اصلی به دست آمده نشان دادند که توان‌خواهان به مضامینی از قبیل مشکلات تردد به محل تحصیل، عدم مناسب‌سازی فضای آموزشی، نگرش منفی به معلولان در محیط تحصیل، مشکلات اقتصادی و مالی و حمایت ناکافی نهادهای متولی، به‌عنوان عوامل بازدارنده و به مضامینی از قبیل عوامل فردی و درونی و عوامل محیطی و بیرونی، به‌عنوان عوامل تشویق‌کننده آنان در امر تحصیل اشاره می‌کنند. یکی از برجسته‌ترین جنبه‌ها از تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان، عوامل بازدارنده‌ای است که مانع از تحصیل توان‌خواهان شده و یا آن‌ها را با مشکلات فراوانی مواجه کرده است. این افراد در مراحل مختلف تحصیل‌شان از مسائلی هم‌چون، مشکلات تردد به مدرسه (عمدتاً در شهر محل سکونت خود) و مشکلات تردد به دانشگاه (که گاهی در شهری غیر از محل سکونتشان است)، عدم مناسب‌سازی فضای مدارس و دانشگاه‌ها، نگرش منفی هم‌کلاسی‌ها، معلمان/استادان و مدیران، رایگان نبودن تحصیل برای معلولان و انواع هزینه‌های بالای تحصیل برای آنان و در نهایت، عدم تأمین ملزومات آموزشی و کمک‌های مالی ناکافی از سوی بهزیستی به‌عنوان عوامل بازدارنده از تحصیل نام بردند. این بخش از یافته‌ها را می‌توان با برخی از یافته‌های پژوهش‌های پیشین مقایسه کرد. به‌طوری که بخشی از این یافته‌ها برخی از یافته‌های پژوهش ونوس (۲۰۲۴) که در آن، تبعیض و عدم حمایت لازم از دانش‌آموزان دارای معلولیت را به‌عنوان موانعی بر سر راه تحصیل آنان بیان کرده بود، مشابه است. هم‌چنین با یافته‌های پژوهش میر و وحید (۲۰۲۲) که دسترسی به زیرساخت‌ها و دسترسی فیزیکی، نقش سازمان‌های حمایت‌کننده و نگرش استادان را به‌عنوان چالش‌های آموزش فراگیر برای معلولان عنوان کرده بودند، هم‌خوانی دارد. به‌علاوه با قسمتی از یافته‌های پژوهش

مرادیان محمدیه (۱۴۰۲) که جابه‌جایی و رفت‌وآمد به محل تحصیل را یکی از مشکلات تحصیلی معلولان بیان کرده بود، مشابه است. در نهایت تا حدودی با یافته‌های پژوهش طهماسب‌زاده شیخ‌لار و همکاران (۱۴۰۱) از جهت این که عدم مناسب‌سازی محیط تحصیل (نظیر دانشگاه)، می‌تواند موجب شکست برنامه‌های درسی برای معلولان شود نیز تشابه وجود دارد.

باین حال، افراد کم‌توان در کنار اشاره به مشکلات و موانع موجود، به یک‌سری عوامل که باعث ایجاد انگیزه در آنان شده و آن‌ها را به تحصیل کردن تشویق می‌نماید، اشاره کردند. آن‌ها از علاقه‌مندی به تحصیل، پشتکار در میان خود معلولان، پشتیبانی خانواده، دوستان و مدرسه/دانشگاه و نیز فناوری اطلاعات برای آموزش آنلاین در تسهیل آموزش و تشویق آن‌ها به تحصیل نام بردند. این بخش از یافته‌ها را نیز می‌توان با برخی از یافته‌های پژوهش‌های پیشین مقایسه نمود. به‌طوری که بخشی از این یافته با قسمتی از یافته‌های پژوهش الطاف و همکاران (۲۰۲۳) که به نقش حمایتی مؤسسات آموزش عالی از معلولان به‌منظور برطرف کردن نیازهای آموزشی آنان اشاره کرده بودند، مشابهت دارد. هم‌چنین تا حدودی با یافته‌های پژوهش عاشوری و شریفی (۱۴۰۲) و نیازی و سیادتیان (۱۴۰۲) که به لزوم ارائه خدمات حمایتی از معلولان به‌منظور کاهش مشکلات آنان تأکید کرده بودند، همسو است. اما در عین حال، با نتایج پژوهش کرازینسکی و فولی (۲۰۲۳) که آموزش آنلاین را برای معلولان به‌عنوان یک مانع نام برده بودند، متفاوت است. چرا که در یافته‌های این پژوهش، مشخص شد که فناوری‌های آموزش آنلاین، نه تنها مانعی برای تحصیل و یادگیری معلولان نیستند، بلکه نقش مثبتی در این زمینه ایفا می‌کنند.

بر اساس مطالب فوق‌الذکر، می‌توان گفت که اگرچه افراد کم‌توان در دوران تحصیل خود با موانع و مشکلات زیادی روبه‌رو هستند که می‌توانند آن‌ها را از تحصیل بازدارند، ولی در عین حال، عواملی هم وجود دارند که آن‌ها را به سوی تحصیل سوق می‌دهند. لذا باید کوشش شود که از موانع موجود کاسته شده و در عین حال، عوامل تشویق‌کننده، تقویت شوند. از این‌رو، لازم است که تمامی افراد و نهادهایی که به هر نحوی با توان خواهان ارتباط دارند، در حل مشکلات مربوط به تحصیل آن‌ها بکوشند، تا حد امکان از آن‌ها حمایت و پشتیبانی (مادی و معنوی) به عمل آورند، با روش‌های مختلف، انگیزه تحصیل را در آنان تقویت کنند و تا جایی که امکان دارد، انتظارات و خواسته‌های به حق آن‌ها را با فراهم کردن لوازم و امکانات مورد نیازشان برطرف نمایند. شاید این گونه بتوان تنها گوشه‌ای از مشکلاتی که این افراد در طول تحصیل خود با آن‌ها مواجه هستند را جبران کرد.

براین اساس، اینک، چند پیشنهاد کاربردی نیز به شرح زیر بیان می‌گردند:

- برای رفع مشکلات جابه‌جایی معلولان به محل تحصیلشان، خدمات حمل‌ونقل عمومی ویژه معلولان به‌منظور تردد راحت‌تر به مقصد فراهم گردد و هم‌چنین، پیاده‌روها و مسیرهای ویژه تردد معلولان در سطح شهرها، اصلاح شده و سامان بگیرند.
- به‌منظور مناسب‌سازی فضای آموزشی، در صورت امکان، رمپ‌هایی برای دسترسی معلولان به طبقات مختلف تعبیه گردد و داخل کلاس‌ها و سالن‌های سمینار، جایگاه‌های ویژه‌ای برای معلولان فراهم شود.
- به‌منظور افزایش سطح آگاهی معلمان/اساتید و حتی هم‌کلاسی‌های افراد معلول درباره نحوه رفتار با این افراد، یک‌سری دوره‌های آموزشی برگزار گردد.
- به‌منظور کاهش مشکلات مالی معلولان در امر تحصیل، تخفیف‌های ویژه‌ای برای آنان در مقایسه با محصلان عادی در نظر گرفته شود و آموزشگاه برخی هزینه‌های تحصیل (مثلاً تأمین کتاب، تجهیزات کمک آموزشی و ...) را بر عهده گیرد.
- از فناوری‌های ویژه‌ای برای آموزش به معلولان استفاده شود. نظیر: نرم‌افزارهای خوانا برای افراد نابینا، تجهیزات شنوایی برای افراد کم‌شنوا/ناشنوا یا دسترسی به کلاس‌ها از طریق ویدئو کنفرانس.
- و ...

در پایان گفتنی است، یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که به دلیل کیفی بودن (علی‌رغم این که مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کردند)، در تعمیم یافته‌های آن به جامعه باید جانب احتیاط رعایت گردد. از این‌رو، پیشنهاد

می گردد که در آینده، پژوهش های بیش تری در این زمینه انجام گیرند و برای تعمیم پذیری بهتر نتایج و یافته ها از روش های کمی یا آمیخته نیز برای انجام پژوهش های آتی استفاده شود.



منابع

- اسماعیلی، پور، مهتاب و نقوی، اعظم. (۱۳۹۹). ناگفته‌هایی از زندگی افراد دارای معلولیت: دیدگاه دختران دارای معلولیت جسمی دربارهٔ رابطهٔ جنسی. *علوم شناختی و رفتاری*، ۱۰(۱)، ۵۸-۴۷. [Doi: 10.22108/cbs.2021.126600.1476]
- دستیار، وحید و محمدی، اصغر. (۱۳۹۷). سنجش توانمندسازی معلولان جسمی (معلولان جسمی-حرکتی، احشایی و حسی) در سال ۱۳۹۴ و عوامل مرتبط با آن (مطالعهٔ مقطعی تحلیلی در استان کهگیلویه و بویراحمد). *توانبخشی*، ۱۹(۴)، ۳۶۸-۳۵۴. [Doi: 10.32598/rj.19.4.354]
- سارایی، نازنین. (۱۴۰۰). خط بریل در مدارس ایران. *پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۴(۲۲)، ۲۶۴-۲۷۰. <https://www.jonapte.ir/fa/showart-303f18d78b9fcf8a2701415bb9b3fa34>
- طهماسب‌زادهٔ شیخ‌لار، داود، عظیمی آق‌باغ، احد، سیدی نظرلو، سید طاهر و قادری، سیامند. (۱۴۰۱). تجارب زیستهٔ دانشجویان معلول جسمی-حرکتی، از مشارکت در آموزش فراگیر. *روانشناسی افراد استثنایی*، ۱۲(۴۶)، ۸۷-۴۹. [Doi: 10.22054/jpe.2022.66766.2432]
- عاشوری، محمد و شریفی، علی. (۱۴۰۲). بررسی تجربهٔ زیستهٔ دانشجویان دارای آسیب بینایی بر اساس روش پدیدارشناسی. *نشریهٔ توانمندسازی کودکان استثنایی*، ۱۴(۳)، ۱۱-۱. [Doi: 10.22034/ceciranj.2024.411101.1792]
- عرب، سید مرتضی، پژهان، علی و یزدانی، پرتوسادات. (۱۴۰۰). سبک آموزش زندگی جمعیت دانش‌آموزان معلول بر اساس نیازها و اولویت زندگی آن‌ها طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۷۵. *پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی*، ۳(۳)، ۱۵۲-۱۲۵. https://alborzmag.cfu.ac.ir/article_1924.html
- قویدل، صالح و کریمی، فرشته. (۱۳۹۲). ارزیابی عوامل مؤثر بر بازتوانی افراد تحت پوشش بهزیستی (مورد استان گلستان). *اقتصاد مالی*، ۲۳(۲۳)، ۲۳۳-۲۰۳. https://journals.iau.ir/article_512496.html
- لطیفیان، مریم، بنی‌اسد، اسما و کمالی، محمد. (۱۳۹۹). بررسی ابعاد اجتماعی معلولیت، یک مرور نظام‌مند. *مددکاری اجتماعی*، ۷(۲۶)، ۱۰۱-۵۳. [Doi: 10.22054/rjsw.2021.51214.395]
- مرادیان محمدیه، طوبی. (۱۴۰۲). *نیازها و مشکلات نوجوانان معلول جسمی-حرکتی: آموزش، اشتغال*. اولین همایش ملی خانوادهٔ سالم، جامعهٔ سالم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائنات. <https://civilica.com/doc/1736704>
- میرزایی، ابراهیم، اله‌دادی، نورالدین و امید، معصومه. (۱۴۰۲). تجربهٔ زیستهٔ افراد دچار ناتوانی شهر اهواز در مواجهه با خانواده و جامعه. *رفاه اجتماعی*، ۲۳(۸۸)، ۲۳۶-۱۹۷. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-4141-fa.html>
- نیازی، محسن و سیادتیان، سید حسین. (۱۴۰۲). تجربهٔ زیستهٔ چالش‌های کم‌توانی ذهنی. *روانشناسی افراد استثنایی*، ۱۳(۵۰)، ۱۰۰-۶۰. [Doi: 10.22054/jpe.2023.74081.2586]
- Altaf, A., Munawar, U. & Munir, H. (2023). The challenges confronted by differently-abled students in inclusive system of education at higher level. *Journal of Social Research Development*, 4(4), 794-802. [Doi:10.53664/JSRD/04-04-2023-13-794-802]
- Arab, S., Pezhhan, A., & Yazdani, P. (2021). Lifestyle education of the population of students with disabilities based on their needs and life priorities during the years: 1996-2019. *Research in Social Studies Education*, 3(3), 119-146. [In Persian]
- https://alborzmag.cfu.ac.ir/article_1924.html
- Arroyo-Rojas, F. & Hodge, S.R. (2023). Phenomenological research involving students with disabilities in physical education: A systematic literature review. *Quest*, 76(2), 135-153. [Doi: 10.1080/00336297.2023.2206579]
- Aruldas, K., Banks, L.M., Nagarajan, G., Roshan, R., Johnson, J. Musendo, D., et al. (2023). If he has education, there will not be any problem: factors affecting access to education for children with disabilities in Tamil Nadu, India. *Plos One*, 18(8), 1-19. [Doi: 10.1371/journal.pone.0290016]

- Ashori, M., & Sharifi, A. (2023). Investigating the lived experience of students with visual impairment based on the phenomenological method. *Empowering Exceptional Children*, 14(3), 1-11. [Doi: 10.22034/ceciranj.2024.411101.1792]
- Aube, A., Rohmer, O., & Yzerbyt, V. (2023). How threatening are people with mental disability? It depends on the type of threat and the disability. *Current Psychology*, 42(31), 27019-27034. [Doi: 10.1007/s12144-022-03655-1]
- Dastyar, V., & Mohammadi A. (2019). Investigating the empowerment of the physically-handicapped people and its related factors: A cross-sectional, analytical study in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad province in 2015. *Rehabilitation*; 19(4), 354-369. [In Persian] [Doi: 10.32598/rj.19.4.354]
- Ekram, A. R. M. S., Ryan, J., Espinoza, S. E., Newman, A. B., Murray., A. M., Orchard, S. G., Fitzgerald, S. M., McNeil, J. J., Ernst, M. E., & Woods, R. L. (2023). The association between frailty and dementia-free and physical disability-free and survival in community-dwelling older adults. *Gerontology*, 69(5), 549-560. [Doi: 10.1159/000528984]
- Esmailipour, M., & Naghavi, A. (2020). Untold stories of people living with a disability: The perspective of girls with a physical disability about sex. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*, 10(1), 47-58. [In Persian] [Doi: 10.22108/cbs.2021.126600.1476]
- Ghavidel, S., & Karimi, F. (2013). Evaluation of factors affecting the rehabilitation of people covered by welfare (case of Golestan province). *Financial Economics*, 7(23), 203-233. [In Persian] https://journals.iau.ir/article_512496.html
- Guterman, A. S. (2023). Definitions and models of disability. *Ageism and Disability*, -(), 1-14. https://www.researchgate.net/publication/372101267_Definitions_and_Models_of_Disability
- Krazinski, M., & Foley, A. (2023). Intersections of Marginalization and possibility: A phenomenological analysis of disabled students' experiences with online learning. *Journal of Disability Students in Education*, -() 1-29. [Doi:10.1163/25888803-bja10026]
- Latifian, M., Baniasad, A., & Kamali, M. (2021). Investigating the social dimensions of disability, A systematic review. *Journal of Social Work Research*, 7(26), 53-101. [In Persian] [Doi: 10.22054/rjsw.2021.51214.395]
- Mir, A.A. & Waheed, A. (2022). Experiences of students with disabilities in Indian higher education: An interpretative phenomenological study. *Higher Education for the Future*, 9(2), 186-202. [Doi: 10.1177/23476311221111442]
- Mirzaei E., Alahdadi N., & Omid M. (2023). Sociological analysis of the lived experience of disabled people in Ahvaz city in facing family and society. *Social Welfare*, 23(88), 183-194. [In Persian] <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-4141-fa.html>
- Moradian Mohammadiyeh, T. (2023). *Needs and problems of physically disabled teenagers: education, employment*. The 1st National Conference of Healthy Family, Healthy Society, Islamic Azad University of Qaen. [In Persian] <https://civilica.com/doc/1736704/>
- Niazi, M. & Siadatian, S.H. (2023). The lived experience of the challenges of adolescents with intellectual disability. *Psychology of Exceptional Individuals*, 13(50), 69-100. [In Persian] [Doi: 10.22054/jpe.2023.74081.2586]
- Santorum, M., Carrion-Toro, M., Morales-Martinez, D., Maldonado-Garcés, V., Araujo, E., & Acosta-Vargas, P. (2023). An accessible serious game-based platform for process learning of people with intellectual disabilities. *Applied Sciences*, 13(13), 1-26. [Doi: 10.3390/app13137748]
- Saraei, N. (2021). Braille in Iranian schools. *New Developments in Psychology, Educational Sciences and Education*, 4(22), 264-270. [In Persian] <https://www.jonapte.ir/fa/showart-303f18d78b9fcf8a2701415bb9b3fa34>
- Schmidt, P., Egermann, M., Ehlers, J. P., & Schulte, A. G. (2023). A five-year cohort study on German dental students: Self-assessment in regard to previous experience and attitude toward patients with different types of disability. *Wiley*, 43(6), 829-838. [Doi: 10.1111/scd.12795]

Sniatecki, J.L., Ashton, J.R., Perry, H.B. & Snell, L.H. (2019). Positive aspects of disability among college students. *Journal of Research and Innovation Teaching & Learning*, 14(2), 1-12. [Doi :10.1108/JRIT-09-2019-0069]

Tahmasebzadeh Sheikhlari, D., Azimi Aqbolagh, A., Seyyedi Nazarloo, S. T., & Ghaderi, S. (2022). Lived experience of students with physical disabilities, from participation in inclusive education. *Psychology of Exceptional Individuals*, 12(46), 49-87. [In Persian] [Doi: 10.22054/jpe.2022.66766.2432]

Venus, I. (2024). A phenomenological case study of learners with impairments in SNHS: A discourse analysis of inclusion in mainstream education. Suarez National High School, Iligan City. [Doi: 10.13140/RG.2.2.20645.47846]

